



## درس اول ذخیره دانشی

«گویند پادشاهی، پسر خود را به جماعتی اهل هنر سپرده بود تا او را از علوم نجوم آموخته بودند و استاد تمام گشته، با کمال کودنی و بلاهت! روزی پادشاه انگشتری در مشت گرفت و فرزند خود را امتحان کرد که بیا و بگو در مشت چه دارم؟ پسر گفت: آنچه داری گرد است و زرد است و تو خالی. پدر گفت: چون نشانی‌های درست دادی، پس حکم کن که آن، چه چیز باشد؟ پسر گفت: می‌باید که غریب باشد. پدر گفت: آخر، این چندین نشانی‌های دقیق را که عقول در آن حیران شوند، دادی از قوت تحصیل و دانش؛ این قدر بر تو چون فوت شد که در مشت، غریب ننگند؟»

(فیہ مافیہ، مولوی)

### راه های آگاه شدن انسان از پدیده های موجود در جهان را نام ببرید

(در حکایت بالا از دو دسته دانش، سخن به میان آمد، درباره آنها تأمل کنید.

آدمی از همان ابتدای تولد صداها را می‌شنود. کم‌کم چشم باز می‌کند، اطراف خود را می‌بیند و به مرور اشیا و افراد را از هم تشخیص می‌دهد. بعد از مدتی با کلمات آشنا می‌شود، سخن می‌گوید و با سخن گفتن، روند آگاه شدن او از جهان اطرافش سرعتی شگرف می‌یابد) تا قبل از اینکه بتواند سخن بگوید، از راه حس (لمس کردن، شنیدن، دیدن و...) می‌فهمید؛ اما وقتی زبان می‌گشاید، راه جدیدی برای ارتباط با جهان و فهم آن، پیش روی شما باز می‌شود) از آن پس به دریافت‌های حسی خویش بسنده نمی‌کند و برای شناخت جهان اطراف خود، از دانسته‌های دیگران نیز بهره می‌برد. پرسش و پاسخ از دیگران، باز هم راه دیگری برای فهم جهان هستی به روی او می‌گشاید. راهی که در میان موجودات دنیا، تنها برای آدمی گشوده شده است. انسان با تفکر و تعقل، از دیده‌ها، شنیده‌ها و خواننده‌هایش فراتر می‌رود، معنای پدیده‌های اطراف خود را درک می‌کند و به آگاهی گسترده‌تر و عمیق‌تری از عالم و آدم می‌رسد و...

کدام شیوه شناخت است که در میان موجودات دنیا، تنها برای آدمی ممکن شده است؟ **تفکر و تعقل**  
کدام توانایی راه تفکر و تعقل را برای فهم جهان هستی به روی انسان می‌گشاید؟ **پرسش و پاسخ از دیگران**

## منظور از ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی چیست؟

امروزه کودکان از شش سالگی به مدرسه می‌روند؛ در سنین بالاتر، راهی دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و دیگر مراکز تخصصی می‌شوند و دانش‌هایی را با عناوین مختلف می‌آموزند. هر آنچه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و... می‌آموزند، ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی آنها را شکل می‌دهد. هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیره دانشی دارد. این ذخیره دانشی، راهنمای زندگی آنهاست. آیا تاکنون درباره روش‌های به دست آوردن و حفظ کردن ذخیره دانشی و افزودن بر آن اندیشیده‌اید؟ آیا می‌دانید ذخیره دانشی چه انواعی دارد؟

دی ۹۹

## دانش عمومی

کنش آدمی وابسته به آگاهی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود، ولی ما اغلب از آگاهی و دانشی که درباره کنش‌های خود داریم و اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد، غافلیم. اگر به کنش‌های روزمره خود مانند راه رفتن، تلفن زدن، احوالپرسی از دیگران، خرید و کارهای ساده و پیچیده دیگر توجه کنیم، شاید در نگاه اول گمان کنیم که این کارها بدون آگاهی و دانشی خاص انجام می‌شوند یا تصور کنیم، دانشی که برای انجام دادن این کارها داریم، اهمیت چندانی ندارد، اما این طور نیست.

خرداد ۹۸

فرض کنید به پیشنهاد دوستی به یک میهمانی دعوت شده‌اید که در آن کسی را نمی‌شناسید. در چنین موقعیتی، دقت و احتیاط شما بیشتر می‌شود. پیش از انجام دادن هر کاری فکر می‌کنید. حتی به اینکه چگونه راه بروید، چه وقت و چگونه حرف بزنید و چه بگویید یا چگونه غذا بخورید، می‌اندیشید. در این موقعیت متوجه می‌شوید که در راه رفتن، غذا خوردن و کدام عامل باعث می‌شود آگاهی موجود در کنش‌هایی نظیر راه رفتن، غذا خوردن و... از نظر ما پنهان شود؟ حرف زدن آگاهی‌ها و دانش‌هایی وجود دارد که به سبب عادت، از نظر شما پنهان بوده است. اگر آگاهی و دانش نسبت به کنش وجود نداشته باشد چه تاثیر بر زندگی اجتماعی دارد؟ اگر این آگاهی‌ها و دانش‌ها نباشند، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرو می‌پاشد. این دانش را انسان‌ها در طول زندگی خود به دست می‌آورند؛ یعنی این دانش، حاصل

از زندگی است. ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی، با دیگرانی که در همان جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم. این

دی ۹۷

نوع از دانش را «دانش عمومی» می‌نامند. به نظر شما چرا این دانش را به این نام می‌خوانیم؟ فردی که تصمیم می‌گیرد به تنهایی و بیرون از جامعه زندگی کند، با چه مشکلی مواجه می‌شود؟ موقعیت‌هایی که از آنها آگاهی ندارد، با مشکل مواجه می‌شود و اگر بخواهد برای انجام دادن هر کاری بیندیشد، زندگی‌اش بسیار پر زحمت می‌شود؛ به نظر شما چه راه چاره‌ای پیش روی او قرار دارد؟

فردی که تنها و بیرون از جامعه زندگی کند، چگونه بر ذخیره دانشی خود می‌افزاید؟ (او مجبور است پیش از انجام دادن هر کاری، فکر کند تا آگاهی لازم را برای انجام آن به دست آورد و بتواند آن را انجام دهد. در صورتی که آن عمل موفقیت‌آمیز باشد، دفعات بعد برای انجام دادن آن، از همان دانش قبلی استفاده می‌کند، لذا در وقت و انرژی او صرفه جویی می‌شود و

می تواند به فعالیت های دیگر بیندیشد و راه انجام آنها را بیابد. بدین ترتیب، به سختی بر ذخیره دانشی او افزوده می شود.



فیلم سینمایی «دور افتاده» روایت فردی است که مجبور می شود به تنهایی در یک جزیره زندگی کند. او برای درست کردن آتش، ساعت ها وقت صرف می کند و برای کشیدن دندان خود پس از روزها تلاش مجبور می شود از ابزاری غیرمتعارف استفاده کند.

اما از آنجا که ما انسان ها با هم زندگی می کنیم، مجبور نیستیم خودمان به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک تک کنش هایمان را تولید کنیم. **جهان اجتماعی؛ یعنی جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می کنیم، دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می دهد.**

شهریور ۹۹  
دی ۹۹

دانش عمومی، گسترده ترین بخش ذخیره دانشی ماست. ما درباره دانش عمومی کمتر می اندیشیم؛ بیشتر از آن استفاده می کنیم و در تعامل با یکدیگر آن را به کار می بریم. دانش عمومی برای زندگی اجتماعی، مانند هوا برای انسان است. انسان همواره از هوا استفاده می کند، اما اغلب متوجه آن نیست و از اهمیت آن غافل است. او هنگامی متوجه وجود هوا می شود که تغییری در آن رخ دهد و تنفس را با مشکل مواجه نماید.

شهریور ۹۸  
شهریور ۹۹  
خرداد ۹۹

**چرا دانش عمومی را به هوا برای انسان تشبیه می کنند؟**

**گفت و گو کنید**

- به نظر شما یادگیری دانش عمومی از کدام مرحله زندگی انسان شروع می شود و تا چه زمانی ادامه می یابد؟ از بدو تولد آغاز می شود و تا پایان عمر ادامه دارد
- نمونه هایی از دانش عمومی که ویژه منطقه زندگی شماست مثال بزنید و درباره اهمیت آنها گفت و گو کنید.

**بینیم و بدانیم**

فیلم سینمایی «دور افتاده» داستان فردی است که بر اثر یک اتفاق، مجبور می شود چهار سال به تنهایی در جزیره ای خالی از سکنه زندگی کند. با تماشای این فیلم درمی یابید که انجام دادن هر کنشی چقدر دشوار می شد اگر جهان اجتماعی، دانش عمومی لازم برای انجام آن را در اختیار ما قرار نداده بود.

## دانش علمی

### منظور از دانش علمی چیست؟

دانش عمومی بخشی از ذخیره دانشی ما را تشکیل می دهد. ذخیره دانشی، بخش دیگری نیز دارد که با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به دست می آید. به این دانش عمیق تر و دقیق تر، «دانش علمی» می گویند.

زبان یک پدیده اجتماعی است. ما درباره این پدیده اجتماعی هم «دانش عمومی» و هم

«دانش علمی» داریم. با مقایسه دانش کاربران و سخنگویان زبان فارسی با دانش متخصصان

زبان فارسی به تفاوت این دو بیندیشید. **کسی که دانش علمی دارد به کدام توانمندی ها دست می یابد، یک مورد را بنویسید. شهریور ۹۹**

کسی که دانش علمی دارد، به درک عمیقی از دانش عمومی جهان اجتماعی خود می رسد؛

آسیب ها و اشکالاتی را که به دانش عمومی راه پیدا کرده اند، شناسایی می کند و قدرت پیدا

می کند که از حقایق موجود در دانش عمومی دفاع کند.



■ ساعت از قدیمی ترین ابداعات بشر است. او با استفاده از دانش زمانه خود برای اندازه گیری، نشان دادن و نگهداری زمان، ابزارهایی مانند ساعت آبی، آفتابی، شنی و شمعی ساخته است. امروزه فناوری، انسان را قادر ساخته، ساعت های بسیار ظریف و دقیق الکترونیکی، کامپیوتری و حتی اتمی بسازد.

تلاش های علمی به تدریج بر ذخیره دانش علمی جهان اجتماعی می افزاید و دانش عمومی را

غنی تر می کند. دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی، شکل می گیرد و پیشرفت

می کند؛ یعنی هر وقت در یک جامعه، مسئله خاصی مطرح می شود، زمینه برای پیدایش و رشد

دانش علمی درباره آن نیز فراهم می گردد؛ مثلاً کاهش یا افزایش بی رویه جمعیت در یک کشور

می تواند زمینه فعالیت و رشد علم جمعیت شناسی و بروز مسائل اقتصادی در یک جامعه می تواند

زمینه رشد علم اقتصاد را فراهم کند.

**انسان در زندگی اجتماعی با مسائل و مشکلات زیادی روبرو می شود، چند مورد نام ببرید**

انسان در زندگی اجتماعی با مسائل و مشکلات زیادی مواجه می شود؛ مسائلی مانند ناامنی، ترافیک،

اعتیاد، آلودگی هوا، بحران آب، بیکاری، فقر، نابرابری، قانون گریزی، بحران هویت، بحران اخلاقی،

شهریور ۹۹  
دی ۹۹

## در برخورد با مسائل زندگی اجتماعی، چه تفاوتی بین دانش عمومی و علمی وجود دارد؟

**بحران آگاهی** و... همه کسانی که از دانش عمومی برخوردارند، این مشکلات را می‌شناسند و برای حل برخی از آنها راهکارهایی پیشنهاد می‌دهند. اما افرادی که درباره این مسائل شناخت علمی دارند، از شناختی دقیق برخوردارند و می‌توانند برای آنها راه‌حل‌های صحیح پیدا کنند.



■ آبیاری کوزه‌ای از روش‌های سنتی آبیاری در مناطق خشک ایران بوده است. در این روش، کوزه‌های سفالی را پای گیاه در زیر خاک قرار می‌دادند. آب کم‌کم از جداره سفالی می‌تراوید و به خاک نفوذ می‌کرد. این روش، شیوه جدید آبیاری زیر سطحی با لوله‌های قطره‌چکان بوده است.



■ نیاز به پوشاک از نیازهای اولیه انسان بوده و صنعت نساجی از قدیمی‌ترین صنایع بشری است. به تدریج با پیشرفت صنعت، زمینه علمی

شدن نساجی و شکل‌گیری مهندسی نساجی فراهم شد.  
**تعارض‌های میان دانش عمومی و دانش علمی در یک جهان اجتماعی چگونه حل می‌شود؟ شهریور ۹۸ دی ۹۸ خرداد ۹۹**  
دو مورد از پیامدهای تعارض در ذخیره دانشی جوامع را بنویسید. شهریور ۹۹  
چرا گاهی بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخش دیگرها می‌شود؟ دی ۹۹  
■ مسئله: تعارض دانش علمی و دانش عمومی

گاهی میان «دانش عمومی» و «دانش علمی» یک جهان اجتماعی تعارض‌هایی پدید می‌آید. اعضای جهان اجتماعی، برای حل این تعارض‌ها، تلاش می‌کنند. تعارض‌ها، گاهی با رها کردن بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید حل می‌شوند.

شهریور ۹۸ جهان‌های اجتماعی مختلف براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند؛ مثلاً جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربه را دانش علمی می‌داند خرداد ۹۹

جهان متجدد بر اساس رویکرد دنیوی خود، فقط کدام علم را دانش علمی می‌داند؟ خرداد ۹۸ فقط علم تجربی را

جهان متجدد کدام علوم را علم محسوب نمی‌کرد؟ دی ۹۷ دی ۹۸ علوم عقلانی و وحیانی ۶

## اگر رویکرد علمی جهان متجدد به جوامع دیگر (که علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را معتبر می‌دانند)، سرایت کند، چه پیامدهایی خواهد داشت؟

و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کند.<sup>۱</sup> وقتی چنین رویکردی، به جوامع دیگر که دانش علمی را به دانش تجربی منحصر و محدود نمی‌بینند و علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را معتبر می‌دانند سرایت می‌کند، در این جوامع، تعاریف متفاوت و گاه متضادی از علم رواج می‌یابد و در ذخیره دانشی آنها تعارض‌هایی پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود؛<sup>۲</sup> دانش عمومی به‌طور همه‌جانبه از دانش علمی حمایت نمی‌کند،<sup>۳</sup> دانش علمی از رشد و رونق لازم باز می‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.

ایده علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) در کشور ما در ارتباط با چنین مشکلاتی مطرح شده است. ما دانشی می‌خواهیم که؛

**آیة علوم انسانی و اجتماعی بومی در کشور ما در ارتباط با چنین مشکلاتی مطرح شده است؟**

- همسو با هویت فرهنگی خودمان و ناظر به حل مسائل جامعه ما باشد.

- همچنین دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط داشته باشد.

یعنی از سویی در حل مسائل و مشکلات بومی ما مفید و کارآمد باشد و از سوی دیگر به زبان و منطق جهان شمول سخن بگوید و در گشودن مرزهای دانش علمی به روی جهانیان مشارکت داشته باشد.

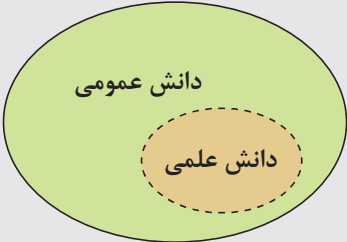
به نظر شما نظام آموزشی ما برای تحقق چنین هدف والایی نیازمند چه تغییراتی است؟ آیا می‌توانید نمونه‌هایی از این تغییرات را برای مدرسه خودتان پیشنهاد دهید؟ به‌عنوان نمونه در مواردی مانند رابطهٔ مدرسه و خانواده، تعامل مدرسه و محله، دروسی که می‌خوانید، روش‌های یاددهی-یادگیری، روش‌های ارزشیابی و... چه تغییراتی را لازم می‌بینید؟

۱- هم اکنون این رویکرد، در جهان غرب نیز پذیرفته نیست و با مخالفت‌های اساسی متفکران غربی مواجه شده است. وقتی دربارهٔ موضوعی، دانش علمی قابل توجهی فراهم می‌شود، علم ویژه‌ای شکل می‌گیرد. هر علمی دربارهٔ موضوعی خاص بحث می‌کند. از این رو علوم از نظر موضوع متفاوت‌اند؛ مثلاً «پدیده‌های طبیعی» موضوع علوم فیزیکی و «موجودات زنده» موضوع علوم زیستی هستند. موضوع علوم اجتماعی چیست؟

در اوایل قرن بیستم میلادی عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای «موضوع» بر «روش» علوم تأکید کردند. آنها روش تجربی را تنها روش کسب علم دانستند و گفتند که همهٔ علوم باید از یک روش یعنی روش تجربی استفاده کنند. آنها با این گفته به تدریج به این برداشت دامن زدند که فقط «علم تجربی» علم است. آنان سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی دانستند و علوم انسانی و اجتماعی را فقط در صورتی که از روش تجربی استفاده کنند، علم تلقی کردند.

این رویکرد از نیمه دوم قرن بیستم با چالش‌های متعددی مواجه شد و کم‌کم در محافل علمی از رونق افتاد. یکی از این چالش‌ها، علم ریاضی بود؛ علمی که فراتر از مشاهده و تجربه است و اگر تجربهٔ ما بر خلاف اصول اولیهٔ آن باشد، ما تجربهٔ خودمان را نادرست می‌دانیم نه آنچه علم ریاضی می‌گوید؛ مثلاً اگر هزار نفر بیایند و ۵۱۰ گردو را در کنار ۳۲۰ گردو بشمارند و مجموع این گردوها را ۸۳۱ گردو اعلام کنند، ما نظر همهٔ آنها را نادرست می‌دانیم و ۸۳۰ را نتیجهٔ درست شمارش می‌دانیم. یا اگر هزار نفر با نقاله، زوایای داخلی مثلثی را اندازه بگیرند و مجموع زوایا را ۱۷۹ درجه اعلام کنند، نظر همهٔ آنها را خطا می‌دانیم.

در جدول زیر سه دیدگاه دربارهٔ رابطه دانش عمومی و دانش علمی تشریح شده‌اند. با مطالعه و بررسی آنها بگویید کتاب از کدام دیدگاه دفاع می‌کند.

	<p>در این دیدگاه، تفاوت دانش علمی با دانش عمومی در روش آنهاست. دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام‌مند به دست می‌آید ولی دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی افراد است که از راه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به دست می‌آید. دانش علمی (تجربی) راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است. دانش عمومی در مقابل دانش علمی از ارزش ناچیزی برخوردار است. دانش علمی برای حفظ هویت خود باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم جلوگیری کند.</p>
	<p>این دیدگاه در تقابل با رویکرد اول، این ادعا را که دانش علمی، راه کشف واقعیت و دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی است انکار می‌کند و همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند. دانش‌ها کشف و بازخوانی واقعیت نیستند، بلکه خلق و بازسازی آن هستند که انسان‌ها برای سامان دادن به زندگی خود تولید می‌کنند. برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند و به عکس دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی می‌داند. در برخی از نحله‌های این دیدگاه، مرز دانش علمی و دانش عمومی فرو می‌پاشد.</p>
	<p>در این دیدگاه دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود بلکه دانش‌های فراتجربی مانند دانش‌های عقلانی و وحیانی را نیز شامل می‌شود که هر کدام ملاک سنجش و اعتباریابی خاص خود را دارد. دانش عمومی نیز دانش غیر موثق و نامعتبر نیست، بلکه کم‌وبیش در آن دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد. دانش علمی به دلیل امکان اعتباریابی، نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است. دانش علمی ضمن ریشه داشتن در دانش عمومی، امکان انتقاد از دانش عمومی و تصحیح آن را دارد. دانش عمومی و دانش علمی رابطه متقابل دارند. بر یکدیگر اثر گذاشته و از هم اثر می‌پذیرند و به مرور متناسب می‌شوند. از این رو هر دانش علمی، با هر دانش عمومی سازگار نیست.</p>

